

هستی و نقاش ستاره ای

«هستی» دختر هشت ساله ای بود با موهای فرفری مشکی و چشمانی که از هوش و ذکاوت برق می زد. او عاشق ساختن چیزهای جدید بود. اتاقش پر بود از تکه های پارچه، دکمه های رنگارنگ، چوب های کوچک و هر وسیله ای که به نظرش می رسید بتواند با آن چیز جالبی بسازد. یک روز، خانم معلم در کلاس گفت که قرار است یک مسابقه بزرگ اختراعات در مدرسه برگزار شود. هستی از شنیدن این خبر خیلی هیجان زده شد و تصمیم گرفت حتماً در این مسابقه شرکت کند.

هستی روزها و شبها فکر کرد که چه چیزی می تواند اختراع کند. او ایده های زیادی داشت، اما هیچ کدام به نظرش آنقدر نو و جذاب نبود. یک شب، وقتی داشت از پنجره به آسمان پر از ستاره نگاه می کرد، ناگهان فکری به ذهنش رسید. او می خواست یک دستگاه بسازد که بتواند نقاشی های آسمانی را روی کاغذ ثبت کند! این ایده خیلی هیجان انگیز بود، اما هستی می دانست که ساختن چنین دستگاهی کار آسانی نیست. او شروع به جمع آوری وسایل مورد نیاز کرد و با کمک پدرش که مهندس بود، طراحی های اولیه اش را کشید. بارها و بارها قطعات را به هم وصل می کرد و هر بار با مشکل جدیدی روبرو می شد. بعضی وقتها آنقدر ناامید می شد که می خواست تسلیم شود، اما هر بار با یادآوری هدفش، دوباره تلاش می کرد.

روز مسابقه فرا رسید. هستی با دستگاه اختراعی اش که اسمش را «نقاش ستاره ای» گذاشته بود، به مدرسه رفت. دستگاه او یک جعبه چوبی بود با چند لنز و آینه که به یک قلم متصل می شد. وقتی هستی دستگاهش را روشن کرد و آن را به سمت آسمان فرضی بالای سن گرفت، دستگاه شروع به حرکت کرد و خطوطی نورانی روی یک کاغذ که زیر آن قرار داشت، رسم کرد. تماشاگران با حیرت و تحسین به اختراع هستی نگاه می کردند. بعضی از دستگاه های دیگر صداهای بلند می دادند یا فقط کارهای ساده انجام می دادند، اما «نقاش ستاره ای» با ظرافت و دقت، طرح های زیبایی از ستارگان را ثبت می کرد.

در پایان مسابقه، وقتی نوبت به اعلام نتایج رسید، قلب هستی تند تند می زد. خانم معلم با لبخندی بزرگ اسم او را به عنوان برنده مسابقه اعلام کرد! هستی از خوشحالی نمی دانست چه کار کند. همه به او تبریک می گفتند و از اختراع بی نظیرش تعریف می کردند. هستی فهمید که با تلاش و پشتکار می توان به هر هدفی رسید و هیچ چالشی آنقدر بزرگ نیست که نتوان بر آن غلبه کرد. او تصمیم

گرفت که همیشه به ایده‌هایش ایمان داشته باشد و هرگز از کوشش دست نکشد. از آن روز به بعد، هستی به عنوان یک مخترع با استعداد در مدرسه شناخته شد و همیشه به دیگران نیز یادآوری می‌کرد که برای رسیدن به موفقیت، باید سخت تلاش کرد و هرگز ناامید نشد.